



Mech
Tech

برش (Mech Tech)
ضمیمه علمی خمش

خمش

خبرنامه مکانیک شریف
دوره ۲۹، شماره ۲، آذرماه ۱۴۰۰

شریف

آنچه هست، و آنچه باید باشد!

مصاحبه با دکتر محمود فتوحی،
رییس سابق دانشگاه صنعتی شریف

مجازی یا حضوری؟ به چه قیمت؟

دانشگاه یا دانش کاه؟!

میراث فتوحی



۳	سرمقاله
۴	دانشگاه یا دانش‌گاه؟!
۵	نحوهٔ انتخاب رئیس دانشگاه
۷	نظام‌های رتبه‌بندی
۹	مسیر اشتباه
۱۱	علم، مرز بی‌نهایت
۱۲	مصاحبه
۱۶	میراث فتوحی
۱۸	آن دورِ نزدیک
۱۹	مجازی یا حضوری؟ به چه قیمت؟
۲۰	نه خانی آمده، نه خانی رفته است ...
۲۲	رؤسای دانشگاه صنعتی شریف

زمان‌هایی را که از درب آزادی تا تالار
همراهت طی کردم به یاد دارم، رنگ
لبخندهایت را به یاد دارم، طنین زیبای
صدایت را به یاد دارم، هر لحظه که
بودی و بودم را به یاد دارم، زیبایی
بیان نامت را به یاد دارم، تو را همواره
و در همه وقت به یاد دارم، و می‌لرزد
دستانم که بنویسم طعم تلخ دوری
ابدی‌ات را نیز...

امیرحسین عزیزم روح‌ت شاد...

سرمقاله

کدامین مسئله؟

نیما رستگار ۹۸ مکانیک



مقابله با آن بپردازند، و برخی نیز آن‌قدر در آن می‌مانند تا به جزیی حل‌شده در آن تبدیل شوند. با گذر سال‌های عمری که روزهایش متأثر از حضور در فضای دانشگاه است، این محیط هفتاد و دو رنگ، انسان‌ها را به فرمی که خودش ارائه می‌دهد، تبدیل می‌کند. انسان‌هایی که در هنگام ورود و خروج از آن فرق بسیاری دارند، و البته تنها چیزی که ثابت است، همین تغییرات است! اما این تغییراتی که برآمده از این سیستم است و خود سیستم، برآمده از دنیایی از حلقه‌های زنجیر، گاه خروجی‌اش نه تنها آن بار زیبا و مفهوم متعالی تغییر نیست، بلکه دون‌ترین شکلش را به نمایش می‌گذارد. گاهی آن فرد که فارغ‌التحصیل از یک محیط متناقض است، آنقدر غرق در تناقض‌های آشکار و نهان می‌شود که پاسخی برای اتفاقات و رویدادهای اطرافش نمی‌یابد.

دانشگاه به‌طور خاص در اوج معنای حتی صرفاً آکادمیکش، وظیفه پرورش نیروهایی را دارد که به هر شکل، در اوج خدمت به خلق باشد؛ و هر آنچه از میان کاغذپاره‌ها، جوهر قلم‌ها، بیان دانسته‌ها، به صفحه‌نمایش زل‌زدن‌ها و حرکت سلول‌های مغز برمی‌آید، جز آن نیست که در راستای آن معنا باشد. آن معنا، خود متأثر از محیطی است که انسان در آن چندین سال از پرنرژی‌ترین دوران زندگی‌اش را می‌گذراند. در پس این گذران عمر و اتفاقات، شناخت و کنکاش در ارتباطات و حلقه‌های گمشده و دیوارهای پوسیده توصیفات اخیر، شروعی برای طرح مسئله‌ای بزرگ و راهی پرپیچ‌وخم است.

فاصله لحظه ورود به عرصه دانشگاهی تا روز فارغ‌التحصیلی با پوشش آبی در مقابل سردر دانشگاه، چشم‌برهم‌زدنی بیش نیست. مرور خاطراتش همچون به یاد آوردن خواب‌های شیرین و تلخ عصرگاهی، گاه بسیار گنگ و گاه حتی پوچ است. لحظه‌هایی که از فشار درس‌ها ناله به سر آمده بود و بعضی وقت‌ها آنچه آموزش داده شده بود، آموخته نشده بود و گاهی نیز آنچه نیاز بود، آموزش داده نشده بود. این پلک‌زدن که شاید امروز در میانه آن هستیم، چه چیز را بر ما می‌افزاید و چه آورده‌ای بر ایمان دارد؟ دانشگاه، دنیای تلفیقی است؛ تلفیق تجارب جدید اجتماعی، مسئولیت‌پذیری آن و آموختن علوم تخصصی و کاربردی. توأمان با این فرمول تازه و گسترش روح خود در سرسبزی‌اش، در همین دنیای کوچک اجتماعی، تاریکی‌هایی نیز وجود دارند که تیرشان را از همان نخستین روزها شلیک می‌کنند. تاریکی‌هایی که بسیاری‌ها در آن‌ها، اکنون ریشه‌هایمان را به خود گره زده است.

انسانی که تنها در محیط خود معنا می‌یابد، متأثر از محیط خود است و گزیر یا ناگزیر در میان هجوم آگاهی‌های محیط قرار دارد. برخی تصمیم می‌گیرند محیط خود را شناخته، تناقضات موجود در سیستم‌ها را شناسایی کرده و با تحلیل، به

دانشگاه یا دانش کاه؟!

جستاری در باب جایگاه و وظیفه دانشگاه



سیدپارسا قزوینی

۹۸ مکانیک

آن انجام شده است؛ بلکه می‌رویم دنبال آمار اپلای کرده‌ها و تعداد مقالات! اشتباه نشود؛ در اپلای و مقاله بحثی نیست، اما وقتی دانشگاه هدفش را می‌گذارد تولید مقاله و فخرفروشی‌اش می‌شود درصد اپلای کرده‌ها، وقتی هدفش را می‌گذارد تربیت دانشجویی که صرفاً بعضی درس‌ها را پاس بکند، بدیهی است که دیگر توجهی به صنعت و نیازهایش نمی‌کند. اگر صنعت خودروی ما مشکل دارد، همان قدر که باید مسئولین مربوطه‌اش را بازخواست کرد، باید یقه دانشگاه‌ها را هم گرفت که چرا فارغ‌التحصیل اقتصاد، مدیریت، مهندسی‌ات گره این صنعت را باز نکرده است؟ اگر برقمان قطع می‌شود، باید از دانشگاه شریف پرسید برای رفع این مشکل چه کردی؟ اصلاً کاری کردی؟ یا دانشجویه‌ها را یکی یکی راهی «آن‌ورآب» کردی و آن باقی‌مانده‌ها هم این قدر سرشان را با کارهای بعضاً به‌دردنخور مشغول کردی که اصلاً چیزی

بلد نیستند؟ باید بپرسیم چرا دانشجوی ترمودینامیک خوانده‌ات حتی یک نیروگاه را از نزدیک ندیده، چه برسد به اینکه مشکلاتش را حل کند؟ خودمان را حبس کردیم در چند اتاق و با خواندن چند فرمول، به خیالمان مرزهای علم را پیش می‌بریم و چه خیال خامی! بعد هم از ما تقدیر می‌شود که گامی بلند در پیشبرد علم و فناوری برداشته‌ایم! اشتباه نیست اگر بگوییم دانشگاه امروز، بیش‌تر دانش کاه است و دانش جوی امروز، بیش‌تر دانش‌گریز.

نوشتن از دانشگاه، آنچه هست و آنچه باید باشد، مثنوی هفتاد من کاغذ می‌خواهد؛ اما امید است همین اندک لغات، تلنگری باشد به دانشگاه و مسئولینش که بار دگر آن مسیری که آمده‌اند و باید بروند را بررسی کنند؛ چراکه تصحیح روند آموزش و تحصیل در دانشگاه، کلید قفل‌های بسیار مشکلات است.

در اثنای یک روز دل‌انگیز پاییزی که بعد از ماه‌ها اصفهان رنگ باران به خود دیده بود، در حال نوشتن گزارش بی‌سروته آزمایشگاه ترمودینامیک بودم که احتمالاً مثل میلیون‌ها نفر دیگر در موقعیت مشابه، این پرسش برایم ایجاد شد که این گزارش‌نوشتن و این دانشگاه‌رفتن واقعاً به چه دردم می‌خورد؟ چه نیازی از خود و جامعه را پاسخ می‌دهد؟ پاسخ تک‌کلمه‌ای‌اش برای این سبک دانشگاه می‌شود «تقریباً هیچ!» اما چرا؟ مشکل کجاست؟ در و دیوار دانشگاه‌ها که مثل فرنگستان است، درس‌ها و منابع تدریس و ... هم چندان تفاوتی با منابع روز دنیا ندارند، دانشجویانمان هم که همگی از نخبگان کشوری‌اند! پس مشکل کجاست؟



اما می‌بینیم که می‌ماند! یاد می‌آید روزهای اولی که دانشگاه بودم، می‌گفتند: «اگر فلان درس را با فلان استاد برداری، «مهندس» می‌شوی» و الآن می‌بینم که نمی‌شویم! مشکل در استاد است؟ بعید می‌دانم. مشکل در دانشجو است؟ باز هم بعید می‌دانم. مشکل در سیستمی است که این دانشجو را به آن استاد وصل می‌کند؟ احتمالاً. شاید استاد بخواهد «مهندس» تربیت کند (که می‌خواهد)، شاید دانشجو بخواهد «مهندس» شود (که او هم می‌خواهد)، اما کسی که این بازی را قبول ندارد و گویا نمی‌خواهد خروجی‌اش یک «مهندس» باشد، خود دانشگاه است! دانشگاه گویا اصلاً دغدغه‌اش آموزش و تربیت نیست. عجیب است، نه؟ وقتی می‌خواهیم عملکرد یک دانشگاه را بسنجیم، نمی‌پرسیم «چقدر از مشکلات صنعت را حل کرده است» یا «چه نوآوری‌هایی در

دانشگاه به معنای مدرن و امروزی‌اش در کشور ما سابقه چندان زیادی ندارد. عباس میرزا، امیرکبیر، دارالفنون و بالاخره تأسیس دانشگاه تهران. از همان ابتدا هم هدف مشخص بود؛ قرار بود علم و دانشی که در مغرب‌زمین استفاده شده و توسعه به ارمغان آورده را فراگرفته و تلاش کنیم از آن‌ها برای رفع مسائل کشور استفاده کنیم. چرا این موضوع به‌ظاهر ساده و بدیهی را نوشتیم؟ چون این کاری است که دانشگاه‌ها «باید» بکنند و دقیقاً همان کاری است که نمی‌کنند! برای فهمیدنش هم نیاز به کار سختی ندارید؛ یک سر به میدان انقلاب تهران بزنید تا با انبوه آگهی‌های «فروش مدرک، نوشتن پایان‌نامه» مواجه شوید. نگاهی بیندازید به صف طویل متقاضیان مدرک دکترا و دانشگاه‌هایی که هر روز بیشتر می‌شوند. با این حجم از فارغ‌التحصیل «متخصص» منطقی‌اً نباید مشکلی بماند!

نحوه انتخاب رییس دانشگاه



صالحه کیوانلو

۹۸ دریا

دانشگاه، پیمانکاران و عموم مردم جامعه می‌شود که همگی این افراد به لحاظ منافع، در یک سو قرار دارند یا به عبارت دیگر، دارای منافع مشترکی هستند؛ ولی عموماً، تصمیم‌گیری و مدیریت در این حوزه‌های خاص، با این استدلال که یک گروه خاص از بین ذی‌نفعان، از تخصص و صلاحیت بیشتری برای مدیریت برخوردار هستند، به آن گروه خاص واگذار می‌شود یا حداقل این گروه، از اثرگذاری بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها برخوردار است. برای مثال، استادان دانشگاه در حوزه علم و فناوری، وکلای در حوزه حقوق، پزشکان در حوزه بهداشت و درمان و ... این موضوع، با این پیش‌فرض انجام می‌شود که نمایندگان این گروه خاص، در تصمیم‌گیری‌های خود، غیرجانبدارانه عمل خواهند کرد؛ اما آیا واقعاً چنین است؟



اگر به بعضی از گروه‌های ممتاز، در برخی حوزه‌ها نظری کنیم، متوجه خواهیم شد که این گروه‌ها، نه از صلاحیت بیشتر، بلکه از قدرت بیشتری در مقایسه با سایر گروه‌ها برخوردار هستند

زمینه تفاوت اساسی به وجود آورده است، مربوط به سیستم‌گزینش و نظارت بر عملکرد رییس دانشگاه است.

در ایران کمیته‌ای متشکل از استادان در وزارت علوم تشکیل شده است که براساس ملاک‌های تعیین‌شده، چند گزینه برای ریاست هر دانشگاه، به وزیر علوم معرفی می‌کنند؛ اعضای این کمیته، اسامی گزینه‌های مختلف را از کانال‌های مختلف دریافت کرده و آن‌ها را با معیارها و شاخص‌هایی که دارند، ارزیابی و امتیازدهی می‌کنند و سپس سه الی پنج گزینه را از هر دانشگاهی با امتیازات کسب‌شده به وزیر علوم معرفی می‌کنند. در نهایت، وزیر علوم گزینه نهایی را انتخاب و معرفی می‌کند. از جمله دلایلی که برای انتصاب رؤسای دانشگاه‌ها توسط وزیر علوم مطرح می‌شود، این است که وزیر در صورتی می‌تواند پاسخگوی نظارت مجلس بر عملکرد وزارتخانه و مؤسسات ذی‌ربط باشد که مدیرانش را خودش انتخاب کرده باشد و وزیری که اختیاری در انتخاب رؤسا نداشته باشد، نمی‌تواند پاسخگوی مجلس باشد.

از طرفی، انباشته‌بودن وزارت علوم از اعضای هیئت علمی، یکی از مبنایی‌ترین مصادیق تعارض منافع است.

این مسئله، خودش را در انبوه شئون سیاست‌گذاری، نظارت و اجرای وزارت علوم دخیل خواهد کرد. برخی حوزه‌های اجتماعی خاص نظیر بهداشت و درمان، آموزش، علم و فناوری، حقوق و ... از گروه‌های ذی‌نفع متنوعی برخوردار هستند. برای مثال، در حوزه علم و فناوری، گروه‌های ذی‌نفع عمده شامل استادان دانشگاه، دانشجویان، کارکنان

با توجه به تغییر ریاست دانشگاه با روی کارآمدن دولت جدید، نگاهی خواهیم داشت به سازکار تعیین رؤسای دانشگاه‌ها در ایران و مقایسه آن با دانشگاه‌های مطرح جهان.



در ایران، به دلیل وجود نقص‌های متعدد در سیستم آموزش عالی، مسیر تحول در عرصه دانشگاه همواره با تردید و کندی همراه است. دانشگاه در ایران، به شدت تحت تأثیر فضای سیاسی کشور قرار دارد و این تأثیرپذیری که بیشتر جنبه سیاست‌زدگی دارد تا فهم و نقش‌آفرینی مثبت در سیاست، به عنوان مانعی جدی در جریان پویایی و پیشرفت دانشگاه محسوب می‌شود. در کشورهای پیشرفته در حوزه آموزش، مدت ریاست دانشگاه بین هشت تا بیست سال متغیر است. در حالی که این شاخص در ایران بسیار پایین است و رؤسای دانشگاه‌ها تا آماده ایجاد تغییرات تحول‌آفرین در دانشگاه می‌شوند، گرفتار فضای سیاست‌زده موجود شده و از مسئولیت خود عزل می‌شوند. آنچه که میان دانشگاه‌های ایران و دانشگاه‌های برتر جهان در این

«هارولد دادز» پنجاهمین رییس دانشگاه پرینستون آمریکا در دههٔ شصت، طی مقاله‌ای به نحوهٔ انتخاب رییس دانشگاه پرداخته است. وی در بخشی از این مقاله، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رییس یک دانشگاه موفق را قدرت بالای مدیریت او در حوزهٔ کسب‌وکار معرفی می‌کند.

دانشگاه به‌عنوان مرکز آموزشی و تولیدی، باید توانایی فروش دانش خود و صنعتی‌سازی آن در حوزهٔ دانش مهندسی و کاربردی‌نمودن آن در حوزهٔ علوم انسانی را داشته باشد. هرچه مدیر یک دانشگاه، توان بیشتری در جذب بازارهای علمی داشته باشد، به همان میزان در امر هم‌افزایی دانش و صنعت موفق است و موجب کمک‌کردن دانشگاه به اقتصاد می‌شود. در برخی کشورها، بودجهٔ دانشگاه یا به میزان بسیار اندک از جانب دولت تأمین می‌شود یا آنکه به‌صورت مستقل، از طریق فروش آموزش توسط خود دانشگاه فراهم می‌شود. «دادز» برقراری ارتباط صحیح و دوستانه میان رییس دانشگاه با معاونان و دانشجویان را نیز یکی دیگر از شاخصه‌های مهم یک رییس موفق معرفی می‌کند. آنچه که تاکنون در جامعهٔ دانشگاهی کشور دیده شده، فاصلهٔ بسیاری با استانداردهای جهانی دارد و برای همین

نباید انتظار داشت که دانشگاه‌ها در کوتاه‌مدت دچار تحولات عظیم شوند!

در این دانشگاه‌ها آنچه که بیش از انتخاب رییس مطرح است، نظارت تخصصی مستمر دولت بر عملکرد رؤساست.

میزان افزایش کیفیت و سطح علمی دانشگاه، میزان افزایش کارآفرینی توسط رییس دانشگاه با بهره‌گیری از توان صنعتی موجود در کشور و میزان افزایش تسهیلات برای روان‌سازی تحصیل دانشجویان، مهم‌ترین ملاک‌های نظارتی از جانب مراکز مربوطه محسوب می‌شوند. همچنین ماندگاری یا عزل رییس دانشگاه، ارتباطی با تغییرات سیاسی در کشور ندارد؛ اما در ایران دانشگاه‌ها نیز همانند بدنهٔ دولت در جرگهٔ تغییرات اتوبوسی قرار دارند. در ابتدای دولت‌ها در ایران، وقتی فردی به‌عنوان رییس یک دانشگاه انتخاب می‌شود، به شرط همراهی با مشی سیاسی دولت‌مردان، تا پایان حیات سیاسی آن دولت، هیچ نگرانی‌ای بابت از دست‌دادن صندلی ریاست ندارد. از این روست که دیگر انگیزه و محرک لازم برای ایجاد تحول، کارآفرینی، برقراری ارتباط با صنعت و

بسیاری از شاخص‌های اساسی در تقویت بنیهٔ علمی دانشگاه رخ نمی‌نمایند.

و همین مسئله باعث می‌شود که «حق» مدیریت، نه به‌طور طبیعی بلکه به لحاظ اجتماعی یا تصنعی به آن‌ها داده شود و آن‌ها با توجیه منافع و پنهان‌کاری، شروع به نادیده‌گرفتن منافع سایر گروه‌های ذی‌نفع کنند؛ به‌عنوان مثال، در یک مسئلهٔ خاص، وزارت علوم ممکن است تصمیمی کاملاً مغایر با منافع دانشجویان اتخاذ کند.



همچنین به‌تدریج تصمیمات جدیدی اتخاذ می‌شود تا هیچ گروهی در آینده نتواند به‌سادگی، عملی برخلاف منافع گروه ممتاز انجام دهد. همین مسئله منجر به «انحصار منافع» در یک حوزهٔ خاص می‌شود. این در حالی است که در دانشگاه‌های مطرح جهان، عموماً انتخاب رییس دانشگاه بر عهدهٔ یک هیئت مرکزی اجرایی یا هیئت امنا است که در دانشگاه فعالیت می‌کند و بر روی پیشرفت دانشگاه و برنامه‌های کلان آن نظارت دارد. همچنین در برخی از دانشگاه‌های آمریکا دانشجویان قدرت عزل رییس دانشگاه را دارند.



نظام‌های رتبه‌بندی



مصطفی رسولی
۹۸ مکانیک

منبع: ایران پیپر

موضوع رتبه‌بندی دانشگاه‌ها همیشه از اهمیت خاصی برخوردار بوده، محکی برای سنجش و مقایسهٔ مؤسسات آموزشی با ابزارها و معیارهای مشخص. سالیانه مراکز متعددی طبق ملاک‌های مختلف، دانشگاه‌های جهان را رده‌بندی می‌کنند. در این متن، با معرفی چند مورد از آن‌ها به بررسی روش مقایسهٔ دانشگاه‌ها در هریک از رتبه‌بندی‌ها می‌پردازیم و در انتها، مروری کوتاه خواهیم داشت بر جایگاه دانشگاه صنعتی شریف.



۲۵ دانشگاه برتر جهان در رتبه‌بندی سال ۲۰۲۱ «QS»

۱. مؤسسهٔ فناوری ماساچوست (ایالات متحدهٔ آمریکا)
۲. دانشگاه استنفورد (ایالات متحدهٔ آمریکا)
۳. دانشگاه هاروارد (ایالات متحدهٔ آمریکا)
۴. مؤسسهٔ فناوری کالیفرنیا (ایالات متحدهٔ آمریکا) (رتبهٔ پنجم در سال ۲۰۲۰)
۵. دانشگاه آکسفورد (انگلستان) (رتبهٔ چهارم در سال ۲۰۲۰)
۶. دانشگاه ETH زوریخ (سوئیس)
۷. دانشگاه کمبریج (انگلستان)
۸. کالج امپریال لندن (انگلستان) (رتبهٔ نهم در سال ۲۰۲۰)

۱۶. دانشگاه پنسیلوانیا (ایالات متحدهٔ آمریکا)
۱۷. دانشگاه ییل (ایالات متحدهٔ آمریکا)
۱۸. دانشگاه کرنل (ایالات متحدهٔ آمریکا)
۱۹. دانشگاه کلمبیا (ایالات متحدهٔ آمریکا)
۲۰. دانشگاه ادینبورگ (انگلستان)
۲۱. دانشگاه میشیگان-آن آربر (ایالات متحدهٔ آمریکا)
۲۲. دانشگاه هنگ‌کنگ (هنگ کنگ)
۲۳. دانشگاه پکن (چین)
۲۴. دانشگاه توکیو (ژاپن)
۲۵. دانشگاه جان هاپکینز (ایالات متحدهٔ آمریکا)

۹. دانشگاه شیکاگو (آمریکا) (رتبهٔ دهم در سال ۲۰۲۰)
۱۰. دانشگاه UCL (انگلستان) (رتبهٔ هشتم در سال ۲۰۲۰)
۱۱. دانشگاه ملی سنگاپور (سنگاپور)
۱۲. دانشگاه پرینستون (ایالات متحدهٔ آمریکا)
۱۳. دانشگاه فنی نانیانگ (سنگاپور)
۱۴. دانشگاه EPFL (سوئیس)
۱۵. دانشگاه Tsinghua (چین)

شریف در رتبه‌بندی‌ها

استناد به منابع بارگذاری‌شده در مراکز و خوداظهاری دانشگاه‌ها باعث شده این رتبه‌بندی‌ها در موارد محدودی، از دقت و اعتبار کافی برخوردار نباشد؛ به‌طوری که در رده‌بندی تایمز ۲۰۲۰ دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل بالاتر از شریف و در جایگاه برترین دانشگاه ایرانی قرار گرفت، اما در QS ۲۰۲۲ شریف با پشت‌سر گذاشتن تمامی رقبای عنوان دیرین خود را پس گرفت. هرچند هنوز هم رتبهٔ ۳۸۱ جهانی (آن هم در بهترین حالت ممکن)، برای دانشگاه پراول‌های که شهرت فارغ‌التحصیلانش عالم‌گیر است، مناسب نیست. دلایل این ضعف و ناکارآمدی را باید به دور از اعداد و ارقام بررسی کرد. انحصار دانشگاه به رشته‌های مهندسی کلاسیک که سال‌ها از تکنولوژی دورند، عدم توجه به گرایش‌های جدید بین‌رشته‌ای که علم روز را یدک می‌کشند، تک‌بعدی‌بودن و همین «صنعتی»بودن که همان ربات‌بودن است و نتیجهٔ آن بی‌بهره‌ماندن دانشگاه از علوم عقلانی انسانی است، ضعف بنیادین در برنامه‌ریزی، جذب هیئت علمی و آموزش، از عمده دلایل این رتبهٔ ضعیف هستند که بارها از انتقارات اهالی دانشگاه پایین‌تر است.



رتبه‌بندی جهانی QS هرساله توسط شرکت «کاکارلی سیموندز» (Quacquarelli Symonds) منتشر می‌شود. مقایسهٔ دانشگاه‌ها در این مؤسسه با شش معیار زیر صورت می‌گیرد. در نهایت نمره‌ای که از ۱۰۰ به‌دست آمده، معیار رتبه‌بندی دانشگاه‌ها خواهد بود.

۴۰٪ اعتبار دانشگاه

«اعتبار دانشگاه» از دید اعضای هیئت علمی سایر دانشگاه‌ها بررسی می‌شود و معیار اصلی آن، بررسی مراجعه و استناد به مقالات و سایر منابع علمی منتشرشدهٔ دانشگاه است.

۲۰٪ نسبت اعضای هیئت علمی به دانشجو

این مورد نشان‌دهندهٔ میزان دسترسی دانشجو به اعضای هیئت علمی و میزان زمان اختصاص‌یافته به هر دانشجوی است.

۲۰٪ میزان استناد به هر عضو هیئت علمی

۱۰٪ اعتبار نزد کافرمایان

از آن‌جایی که کیفیت آموزشی، رابطهٔ مستقیمی با اعتبار شغلی افراد فارغ‌التحصیل دارد، در این مورد مؤسسه با بررسی اعتبار افراد شاغل امتیازی را به دانشگاه اختصاص می‌دهد.

۱۰٪ تعداد اعضای هیئت علمی و تعداد دانشجویان بین‌المللی، دانشجویان خارجی

نشان‌دهندهٔ میزان پایبندی دانشگاه برای ترویج علم در سطح جهانی است.



رتبه‌بندی شانگهای برای اولین بار در سال ۲۰۰۳ توسط دانشگاه چینی «شانگهای ژیاو‌تنگ» صورت گرفته و پس از آن به‌طور سالیانه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. شاخصه‌های اصلی این مرکز به ترتیب اولویت، میزان مقالات و تحقیقات ارجاع‌شده، جایزهٔ نوبل، دریافت مدال در زمینه‌های مختلف توسط دانشجویان و استادان و نیز تحقیقات در «SCIE» و «SSCI» هستند. هریک از این موارد ۲۰ درصد مؤثرند؛ اما کاربردِ بودن عملکرد، ۱۰ درصد مؤثر است.



رتبه‌بندی تایمز اولین بار در سال ۲۰۰۴ با همکاری «تایمز» و «کیواس» منتشر شد و در سال ۲۰۱۰ روش‌شناسی جدیدی برای این رتبه‌بندی ارائه گردید. سیزده شاخص مورد استفاده در این رتبه‌بندی در پنج گروه زیر قابل دسته‌بندی هستند:

۳۰٪ آموزش

۳۰٪ پژوهش

حجم، درآمد و شهرت

۳۰٪ استنادها

تأثیر پژوهش

۷/۵٪ وجههٔ بین‌المللی

نیروی انسانی، دانشجویان و پژوهش

۲/۵٪ درآمد صنعتی

نوآوری



مؤسسهٔ رتبه‌بندی بین‌المللی دانشگاه‌ها، شهرت اعضای هیئت علمی، سطح پژوهش‌های دانشگاه، میزان موفقیت شغلی فارغ‌التحصیلان و سطح کیفی آموزش را مورد بررسی قرار می‌دهد و سالانه هزار رتبهٔ برتر جهان را از بین ۲۵۰۰۰ دانشگاه اعلام می‌کند.

۲۵٪ آموزش

مدال‌ها، جوایز جهانی دانشجویان و تعداد آن‌ها

۲۵٪ موفقیت فارغ‌التحصیلان

میزان فعالیت در مراکز مهم

۲۵٪ اعتبار اعضای هیئت علمی

افتخارات و جوایز دریافتی

۲۵٪ سایر موارد

همچون تعداد کل مقالات، مقالات منتشرشده در مجلات بزرگ، ارجاع مقالات و ثبت اختراع جهانی

مسیر اشتباه

طناب پوسیده صنعت و دانشگاه



علیرضا فکوریان

۹۹ مکانیک

تأسیس شده است و در این سال‌ها تلاش بسیاری برای امر پرورش دانشجو انجام شده است. در این ۵۵ سال، دانشکده مکانیک تعداد بسیار زیادی فارغ‌التحصیل داشته است و این فارغ‌التحصیلان، دانش و مطالب بسیاری آموخته‌اند؛ اما درصد کمی از این دانشجویان به‌طور جدی وارد صنعت شده‌اند. پس دو بحث پیش می‌آید: اینکه آیا خود دانشجو تمایلی به کار صنعتی ندارد یا اینکه به وسیله علوم می‌که آموخته، نمی‌تواند کار صنعتی انجام دهد؟! در حقیقت بین آنچه دانشجو آموخته و دانشی که در فضای صنعتی لازم است، اختلاف وجود دارد؛ در نتیجه از دانشی که دارد، نمی‌تواند در صنعت استفاده کند. این می‌تواند یکی از دلایلی باشد که بعضی از افراد به قصد کسب و افزایش علم کاربردی در صنعت و یا به‌دست‌آوردن دانش تراز اول جهانی به خارج از کشور بروند و در مقابل، دانشجویانی که وارد صنعت می‌شوند، از علمشان بهره کافی نمی‌برند. پس می‌توان گفت در این حالت دانشجو با توجه به نیازهای کشور تربیت نشده است.

پروژه نیز از آن حمایت می‌کنند؛ یعنی اقدامات دانشگاه برای رفع نیازهای صنعتی کشور است. اما این مسئله در دانشگاه شریف، آن‌طور که باید وجود ندارد. البته به دو صورت می‌توان به این وضعیت نگریست: یک حالت صرفاً نسبت به دیگر دانشگاه‌های کشور است؛ که در این صورت دانشگاه وضع بسیار خوبی دارد! ولی در حالت دیگر که نسبت به دیگر دانشگاه‌های جهان است، مشاهده می‌شود که بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاه وارد کار صنعتی نشده‌اند. پس وضعیت صنعتی دانشگاه هنوز با ایده‌آل فاصله بسیاری داشته و وضعیت خیلی خوبی ندارد. در مورد جایگاه صنعتی دانشکده مکانیک در دانشگاه شریف، می‌توان گفت که این دانشکده در بین دانشکده‌های برتر دانشگاه هست و در حوزه ساخت تجهیزات، نفت و پتروشیمی فعالیت ویژه‌ای دارد.

دانشکده مکانیک در

سال ۱۳۴۵

یکی از مسائلی که در پیشرفت یک جامعه تأثیر فراوانی دارد، خودکفایی در صنعت و تولید است و از مواردی که در این امر مؤثر است، ارتباط پویا بین دانشگاه و صنعت جامعه می‌باشد. این طناب باید این دو عنصر را به هم متصل سازد تا دانشگاه بتواند مشکلات به‌وجود آمده برای صنعت کشور را حل کند. صنعت ایران و دانشگاه شریف و همچنین دانشکده مکانیک به‌عنوان عضوی از آن، از این قضیه مستثنی نیستند.

در بسیاری از کشورهای صنعتی دنیا، پروژه‌های دانشجویان به‌طور صد درصد توسط استاد تعریف نمی‌شوند، بلکه حتماً باید نیازی از جامعه را برطرف کنند و در راستای صنعت باشند. با روی‌دادن این مهم، شرکت‌های مرتبط با آن



ایجاد شرایط لازم برای گذراندن فرصت‌های مطالعاتی استادان در صنایع کشور و ... اما یک روش بسیار مؤثر و مهم نیز، تغییر سیستم ارزشیابی اساتید است. در نظر گرفتن مشوق‌هایی برای اساتید در جهت حرکت به سوی کارهای صنعتی و همچنین برخی اجبارها برای انجام مقدار معینی از کار صنعتی مشخص در سال هم، می‌تواند مؤثر باشد.

مهم‌ترین فایده ارتباط دانشگاه با صنعت، ایجاد کارآفرینی و تولید ثروت پایدار، با پشتوانه محکمی مانند علم است.

کشور هزینه هنگفتی برای تحصیل افراد جامعه در دانشگاه می‌کند، تا این افراد در آینده مشکلات کشورشان را حل کنند و هدف اصلی این سرمایه‌گذاری همین است و نه اینکه دانشگاه فقط مکانی برای گرفتن مدارک تحصیلی باشد. در پایان باید گفت، هرچند بحث‌های زیادی حول مسئله «ارتباط صنعت و دانشگاه» می‌شود و هر روزه این عبارت از جاهای مختلف به گوش می‌رسد، اما هنوز طناب پوسیده میان این دو عنصر ترمیم نشده است. پس تا روزی که برداشتن گام‌های استواری برای درمان این بیماری نیاز باشد، این موضوع نیاز به تکرار و تکرار خواهد داشت؛ زیرا در غیر این صورت، این آتش شعله‌ور در میان اعداد و ارقام مقالات و تعداد خروجی‌ها و میزان واحدها و میانگین معدل‌های دانشکده خاموش خواهد شد.



می‌شود اساتید به کار صنعتی میل اندکی داشته باشند.

در کل در مواجهه دانشگاه با صنعت دو رویکرد وجود دارد: رویکرد فعالانه و رویکرد منفعلانه. در رویکرد فعالانه، خود دانشگاه به بررسی و شناخت مشکلات جامعه و صنعت می‌پردازد و برای برطرف کردن نیازهای تحقیقاتی، فناوریانه، نوآورانه و صنعتی آن اقدام می‌کند. اما در رویکرد منفعلانه، دانشگاه منتظر پیشنهاد های صنعت برای رفع مشکلات می‌ماند و خود به دنبال آن‌ها نمی‌رود. رفتار دانشگاه شریف در این فضا بیشتر منفعلانه بوده است و در طرف مقابل هم، صنعت علاقه چندانی به کمک‌گرفتن از دانشگاهی که خیلی در حال و هوای صنعتی نیست، در پروژه‌های کلانش ندارد.

با این تفاسیر، وضعیت صنعتی دانشکده و دانشگاه مطلوب نیست؛ راهکارهای فراوانی برای افزایش ارتباط با صنعت دانشگاه وجود دارد؛ مانند تشکیل مراکز تحقیقاتی مشترک دانشگاه و صنعت، ایجاد شرکت‌های واسطه از دولت،

در دانشکده مکانیک، اساتید محدودی به کار صنعتی روی آورده‌اند و سایر اساتید بیشتر به امر ارائه مقاله می‌پردازند.

اینکه یک دانشجو به سمت کار صنعتی برود، یا نرود، وابسته به آن است که اساتید دانشکده به کار صنعتی بها می‌دهند یا خیر!

اگر استاد در صنعت، کار و فعالیت کند، دانشجو نیز اشتیاق بیشتری برای ورود به صنعت خواهد داشت و اگر استاد به این سمت نرفته باشد، دانشجو نیز متعاقباً میل زیادی به این راه نخواهد داشت! پس دانشجو خود باید مسیر (استاد) منتهی به صنعت را برگزیند. با بررسی سیستم ارزشیابی اساتید، به آن پی می‌بریم که برای کار صنعتی ارزش کمی در نظر گرفته شده است. کار صنعتی امتیاز ویژه‌ای برای استاد محسوب نمی‌شود و این باعث

علم، مرز بی نهایت

آیا شریف در لبه علم حرکت می کند؟



زهره همتیان

۹۸ مکانیک

تحقیق و پژوهش زیر سؤال می رود و نمی شود آزادانه پژوهش انجام داد؛ علی الخصوص در حیطه علوم انسانی که شاید مبنای بسیاری از علوم و دغدغه های کشورهاست. اکثر مطالعات و تحقیقاتی که در دانشگاه های ما انجام می شوند، یا برآمده از مسائل و خلاقیت های اساتید هستند یا برای ارگان ها و مصارف خاص، نه مسائل به روز علم و تکنولوژی در جهان. همچنین در ایران به دلیل موقعیت و برخی محدودیت ها، دسترسی دانشجویان و محققان به مقالات و منابع علمی به روز دنیا کم است، که این هم باعث می شود که اساتید، دانشجویان و محققان از مسائل علمی داغ و به روز بی خبر بمانند و هم منجر به این می شود که همه چیز را از ابتدا و تنها با اتکا به توان و دانش خودمان کشف یا اختراع کنیم.

البته دانشگاه شریف از نظر داشتن دانشجویان قوی و نیروهای باپتانسیل، غنی است و گلیم خودش را از آب بیرون می کشد و هنوز در کشور و جهان اعتبار خودش را دارد؛ ولی بعضی از سیاست گذاری های غلط، عدم اختصاص دادن بودجه مناسب و نبود متقاضی و فضای رقابتی یا حتی نگاه های غلط به علم، موجب بی انگیزگی دانشجویان می شود و شتاب حرکت رو به جلوی آن را تحت تأثیر قرار می دهد و باعث فاصله گرفتن ما از مرزهای علوم می شود. نکته دیگری هم که به نظر مهم می آید، تخصص نداشتن و عدم توانایی و نبود تیم های قوی تحقیقاتی هستند. پس علاوه بر اکتان اقتصادی و سیاست گذاری های صحیح، اساتید باید دانشجویان را در امر پژوهش بهتر آموزش بدهند و کیفیت راهنمایی کردن ها بالا برود تا بتوانیم به آن هدف که حرکت بر مرزهای علم و تولید دانش است، دست پیدا کنیم.

نبوده است. البته موارد دیگری هم هستند؛ مانند برخی تحقیقاتی که در گرایش های مختلف مهندسی برق انجام می شود که بنده آشنایی کافی ندارم. از طرفی دانشگاه ما بیش از ده پژوهشکده و چند آزمایشگاه دارد. حتی در حیطه علوم انسانی هم پژوهشکده هایی مانند پژوهشکده مطالعات اقتصادی و صنعتی، پژوهشکده سیاست گذاری علم، صنعت و فناوری یا حتی پژوهشکده زیست فناوری و محیط زیست طبیعی در حال فعالیت هستند. پس اشکال کار کجاست که ما در پژوهش و تولید علم و حرکت بر لبه های دانش بسیار کند هستیم؟

از مهم ترین عوامل رکود پژوهش های مفید، هدفمند نبودن و عدم وجود متقاضی است.

در کشورهای دیگر، نهادهای ارگان های بسیار زیاد، متنوع و مستقلی هستند که با دانشگاه ها و اساتید ارتباط می گیرند و آن ها را از نظر اقتصادی و بودجه تأمین می کنند، تا آن ها بر مسائل و موارد مطرح در علم و تکنولوژی تحقیق بکنند؛ ولی در ایران رقابت بسیار کم است و چنین ارگان های بزرگ و مستقلی وجود ندارند؛ در نتیجه پژوهشگران دچار محدودیت های جدی و کمبود امکانات و آزمایشگاه ها و بودجه می شوند، که این باعث می شود پژوهشگر نتواند کاملاً بر موضوعی که بر آن پژوهش می کند، متمرکز شود. از طرفی دیگر در کشور ما گاهی نگاه های سیاست زده به علم حاکم است و باعث می شود که تحقیقات، در چهارچوب های مشخصی انجام شوند که عملاً اعتبار

علم و تکنولوژی با چنان شتابی در جهان رو به جلو حرکت می کنند که اگر لحظه ای از آن غافل شویم، در ادامه درک آن سخت و پیوستن به آن تقریباً امری محال خواهد بود. غالب انسان ها روحیه رقابت و عطش کسب علم را دارند که به تبع آن، این مسئله ارزش بالایی پیدا می کند. سؤال این است که واقعاً جایگاه دانشگاه شریف در این رقابت سنگین کجاست؟ عملکرد دانشگاه شریف در راستای تولید علم و حرکت بر لبه های دانش چقدر موفق بوده است؟ بی شک اساتید و دانشجویان شریف به خصوص در مقطع کارشناسی در مسائل آموزشی و در مباحث نظری جایگاه خوبی دارند که این جایگاه در مقاطع بالاتر، به دلیل مهاجرت نخبه ها و استعدادهای دانشگاه افت پیدا می کند. اگر به رنکینگ «QS» نگاهی بیندازیم، می بینیم که دانشگاه شریف روز به روز در حال پیشرفت است و از نظر تعداد مقالاتی که منتشر کرده، آمار بالایی دارد؛ البته در یکی دو سال گذشته کمی از شتاب آن کاسته شده ولی باز هم در حال شتاب گرفتن است. پس با بررسی آمار مقالات و رزومه اساتید و دانشجویان سریعاً می توان نتیجه گیری کرد که شریف در حیطه آموزشی حرفی برای گفتن دارد، ولی در حیطه پژوهشی چطور؟ علی رغم تلاش هایی که می شود، اوضاع دانشگاه و حتی در ابعاد کلان تر یعنی اوضاع کشور تعریفی ندارد؛ برای مثال نانو تکنولوژی، کیهان شناسی، ماشین لرنینگ و هوش مصنوعی، لیزر، میکروروبات ها و ربات های اجتماعی، میکروفلوئیدیک ها، کوانتوم کامپیوتیشن و بیومکانیک، برخی از مباحث مطرح و داغ در جهان هستند و حیطه هایی هستند که اساتید و دانشجویان دانشگاه شریف روی آن ها پژوهش کرده اند، ولی باز در حد ایجاد تحول و حرکت بر لبه علم



دکتر محمود فتوحی

رئیس سابق دانشگاه صنعتی شریف و
عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی برق

علی بوالحسنی

۹۸ مکانیک



توصیف شما از دانشگاه ایده آل چگونه است و دانشگاه شریف چقدر با آن فاصله دارد؟

بنده اگر بخواهم یک دانشگاه خوب و ایده آل را در نظر بگیرم، اعتقاد من بر این است که سه وظیفه مهم و عمده را عهده دار است: دانشگاه به بیداری علمی جامعه کمک کند. منظور از بیداری علمی، رسوخ تفکرات علمی در بطن جامعه و علمی عمل کردن افراد جامعه است. این کار از دو روش می تواند اتفاق بیفتد؛ یکی تربیت جوانان و آشنا کردن آن ها با تفکرات علمی و روش های علمی حل مسئله که شامل حل مسائل اجتماعی است و دوم، ترویج علم و تفکرات علمی در جامعه به طوری که بتواند به ارتقای سطح دانش و آگاهی متوسط جامعه منجر شود. بنابراین بدیهی است که بیداری علمی با آزاداندیشی، جامع نگری، احترام به عقاید و تفکرات مختلف و آمادگی برای یادگیری و کنار گذاشتن تفکرات و پیش فرض های غلط و ناکارآمد همراه است و دانشگاه ها باید برای دستیابی به آن، روش های خود را در آموزش و ارتباط با جامعه بهبود دهند.

خوش آمدگویی و معرفی

بسم الله الرحمن الرحيم. خیلی تشکر و قدردانی می کنم از مجله خمش و آقای بوالحسنی برای این مصاحبه و سلام عرض می کنم خدمت همه اساتید، دانشجویان و کارکنان. بسیار خوشحالم و برای من سعادت بود که طی هفت سال گذشته، ریاست دانشگاه را بر عهده داشتیم. تلاش و کوشش بر این بود که در حد بضاعت خودم و آنچه مقدور است، تلاش کنم تا برای دانشگاه کار بکنم. قطعاً دانشگاه صنعتی شریف در یک جایگاهی قرار دارد که افتخار همه ما و همه کشور است. این جایگاه در واقع با تلاش و از خود گذشتگی اعضای هیئت علمی، دانشجویان، کارکنان و مدیران دانشگاه از زمان تأسیس تاکنون به دست آمده است و مسیر رشد و بالندگی که در آن طی کرده، مانند امانتی در دست همه ماست. ما هم باید تلاش کنیم این امانت را به خوبی نگهداری کنیم و باعث ارتقای آن شویم. برای من باعث مباهات بود و خداوند بزرگ را شاکرم که توانستم به عنوان منتخب شورای دانشگاه، هفت سال مدیریت این دانشگاه پرافتخار را بر عهده داشته باشم و در حد بضاعت خود برای ارتقای آن از ابعاد مختلف تلاش کنم. امیدوارم که توانسته باشم آنچه که در شأن این دانشگاه است را انجام داده باشم. خلاصه ای از اقدامات انجام شده و نتایج به دست آمده تحت عنوان گزارش عملکرد هفت ساله آماده شده است که ان شاء الله به زودی در دسترس همگان قرار خواهد گرفت.



استعداد و آمادگی تحصیلی داوطلبانی که دانشگاه صنعتی شریف را برای تحصیل انتخاب می‌کنند و نیز اثری که در آینده می‌توانند در سرنوشت کشور داشته باشند، این موضوع برای دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف از اهمیت بیشتری برخوردار است. دانشجویان به دلیل توانمندی‌های بالا بدون شک می‌توانند افراد مؤثری در سطح جامعه باشند و در بسیاری از موارد می‌توانند الگو نیز باشند که در هر صورت با مهارت‌های اجتماعی می‌توانند اثربخشی اجتماعی بالایی برای جامعه داشته باشند. دانشگاه‌ها به صورت عام و دانشگاه صنعتی شریف به صورت خاص باید به موضوع اثربخشی اجتماعی توجه ویژه داشته باشند و شاخص‌های دقیقی برای ارزیابی میزان اثربخشی فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، تعریف کنند.

برای من باعث مباهات بود و خداوند بزرگ را شاکرم که توانستم به مدت هفت سال مدیریت این دانشگاه پرافتخار را برعهده داشته باشم و در حد بضاعت خود برای ارتقای آن از ابعاد مختلف تلاش کنم. اگرچه به هر حال مدیریت کردن دانشگاه شاید یکی از سخت‌ترین کارها باشد، تجربه بسیار خوبی برای من بوده است.

از نظر من مدیریت دانشگاه، مدیریت کردن در جایی است که مدیریت ناپذیر است!

من خودم را چون منتخب شورای دانشگاه می‌دانم، در بسیاری از موارد در انجام کارها همکاران، هیئت علمی و شورای دانشگاه به میزان زیادی همراه فعالیت‌هایی که ما در دانشگاه انجام می‌دادیم، بودند. شاید در چند سال گذشته تصمیماتی گرفته شده که خوشایند برای همه عزیزان نبوده و می‌توانست تصمیمات دیگری گرفته شود، اما این نکته را می‌توانم خدمتتان عرض کنم که بنده و تمام مدیران تلاش کردیم تصمیماتی را بگیریم که در جهت ارتقا و بهبود وضعیت دانشگاه باشد. در واقع منافع دانشگاه مدنظر قرار گرفته است که در بعضی مواقع، دارای چالش‌هایی هم بوده است و تمام این مسائل، به صورت تجربه‌ای برای بنده بوده است. خوشحالم برای اینکه در انتهای کار این احساس را دارم که یک رضایت نسبی در دانشگاه ایجاد شد.

وظیفه دوم، تلاش برای حل مسائل اساسی جامعه است. با گذشت زمان، انتظار از دانشگاه‌ها برای ایفای نقش مؤثرتر در حل مسائل اساسی جامعه و گسترش حیطه خدمات خود به طیف وسیع‌تری از نیازها افزایش یافته است. شروع کار از تشخیص صحیح و دقیق نیازهای اساسی جامعه است. پژوهش‌های دانشگاهی به ویژه آن بخشی که توسط جوانان در قالب پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها انجام می‌شوند، تا حد امکان باید در ارتباط با نیازهای جامعه باشند. عملکرد دانشگاه و دانشگاهیان باید براساس میزان اثری که در جامعه داشته و نقشی که در حل مسائل ایفا کرده‌اند، مورد ارزیابی قرار گیرد.

وظیفه سوم، تربیت نسل جوان برای ایفای نقش مؤثرتر در جامعه است. دانشگاه‌ها یکی از مهم‌ترین مراکز جذب، تربیت و آماده کردن سرمایه‌های انسانی برای خدمت به جامعه هستند. پس دانشگاه ایده‌آل باید بستری ایجاد کند که باعث جذب و پرورش چنین دانشجویانی شود؛ که این نکته، مهم‌ترین نکته یک دانشگاه ایده‌آل است. دانشگاه باید به نحوی عمل کند که علاوه بر آموزش و تربیت جوانان، به گونه‌ای طراحی شود که این جوانان در آینده شهروندانی فعال، دغدغه‌مند نسبت به سرنوشت جامعه، دارای یک روحیه همکاری و نقادانه و متخصصانی با توانایی بالا در حل مسائل جامعه باشند. با توجه به سطح

چالش‌های موجود در دوران ریاست خود و نحوه مواجهه با آن‌ها را بیان کنید.

در واقع یک سری مسائل و چالش‌هایی هستند که به صورت مقطعی برای دانشگاه اتفاق می‌افتند و در این چند سال هم اتفاق افتادند و باید به نحوی مدیریت می‌شدند؛ به عنوان مثال: سقوط آسانسور یکی از مسائلی بود که بسیار ناگوار بود. تعدادی از همکاران ما درون آسانسور بودند و صدمه جدی دیدند که تلاش و کوشش ما بر آن بود که کمک کنیم تا این عزیزان بهبودی نسبی پیدا کنند. موضوع بعدی درگذشت دکتر میرعمادی معاون آموزشی بود. ایشان یکی از افرادی بود که خودش را وقف دانشگاه کرده بود و بسیار بسیار کیفیت آموزش دانشگاه اهمیت می‌داد. ضایعه بسیار سختی برای دانشگاه بود که فردی جایگزین ایشان شود که بتواند فعالیت‌های دانشگاه را پیش ببرد. یکی دیگر از چالش‌ها، اعتراض دانشجویان سنواتی در سال ۹۵ بود که به سنوات ترم پنجم خود اعتراض داشتند. مدیریت کردن، انجام و پذیرفتن آن مقداری مشکل بود؛ زیرا برای دانشگاه هزینه‌هایی در زمینه خوابگاه، غذا و امکانات دیگر را به وجود می‌آورد. با نشستی که با نمایندگان این دانشجویان و صندوق رفاه وزارت علوم داشتیم، این مسئله برطرف شد.

یکی دیگر از نکاتی که ما بعضی اوقات به عنوان چالش با آن مواجه می‌شدیم، مسائل فرهنگی و انتظارات گروه‌های مختلف بود. یکی از نکاتی که مدنظر مدیریت دانشگاه و معاونین فرهنگی در دانشگاه بود، این بود که شما معاون فرهنگی کل دانشگاه و به خصوص در ارتباط با دانشجویان، معاون فرهنگی تمام دانشجویان با هر نوع عقیده و تفکری هستید و تلاش برای درگیر کردن تمام اقشار فکری دانشجویی در فعالیت‌های فرهنگی یکی از آن چالش‌ها بود. دانشگاه همچنین به سلايق مختلف احترام می‌گذارد؛ زیرا ما چهار شکل دانشجویی با سلايق سیاسی و اجتماعی مختلف داشتیم و بنابراین اختلاف نظر و دیدگاه کاملاً طبیعی بود. این اختلاف‌ها در انتها به رییس دانشگاه منتقل می‌شد و رییس دانشگاه باید به شکلی این مسئله را حل می‌کرد؛ مثلاً یک مصداق آن، برگزاری اردوی ورودی‌ها بود. ما هر سال

یک اردوی ورودی داشتیم که نظر بنده و معاون فرهنگی این بود که این اردو، اردوی دانشگاه است و اردوی یک گروه خاص نیست. هدف ما این بود که همه گروه‌های دانشجویی در برگزاری این اردو مشارکت داشته باشند. مسئله سقوط هواپیمای اوکراینی حادثه تلخی بود که



در آن، ۱۶ نفر از بهترین فارغ‌التحصیل‌های دانشگاه را از دست دادیم. مسئولین دانشگاه کوچک‌ترین نقشی در این مسئله نداشتند، اما هزینه سنگینی را برای آن پرداختند که به هر حال مشکل بود. دانشجویان نیز دوستانشان را از دست داده بودند و در شرایط روحی خوبی نبودند. در آخر تلاش شد به نحوی مدیریت شود که کم‌ترین هزینه را برای کشور و دانشگاه داشته باشد. موضوع بعدی همه‌گیری ویروس کروناست که تأثیر زیادی روی عملکرد



دانشگاه داشت. هر چند که دانشگاه صنعتی شریف به دلیل فراهم بودن بستر آموزش‌های مجازی، عکس‌العمل مناسب‌تر و سریع‌تری نسبت به دیگر دانشگاه‌ها در مواجهه با شرایط جدید داشت. همچنین تلاش کردیم که امکان حضور دانشجویان تحصیلات تکمیلی، به ویژه آن‌هایی که نیاز به حضور در آزمایشگاه‌ها داشتند، تا

بود که در سال‌های قبل برابری بودجه با قراردادهای ارتباط با صنعت وجود داشته است که این مسئله از اساس غلط است و هیچ زمانی رقم قراردادهای ارتباط با صنعت با بودجه برابر نبوده است. البته با وجود رشدی که سال به سال داریم، به‌عنوان یک دانشگاه صنعتی تا وضعیت ایده‌آل فاصله زیادی داریم و تمام تلاش بنده این بود که حجم قراردادهای دانشگاه تا جای ممکن افزایش یابد. در این دوره همچنین پارک علم و فناوری شریف و ناحیه نوآوری شریف ایجاد شد.

در نهایت اگر توصیه‌ای به مسئولین جدید دانشگاه دارید، بیان کنید.

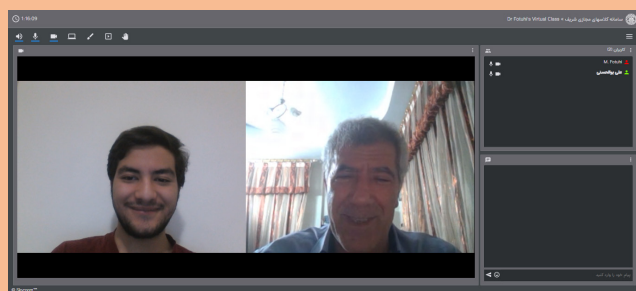
دانشگاه بر اصول و رویه‌هایی استوار است که ما باید از این اصول و رویه‌ها حفاظت کنیم و آن‌ها را پاس بداریم که خوشبختانه مسئولین جدید دانشگاه از هیئت علمی همین دانشگاه هستند و نسبت به مسائل دانشگاه آگاهی کامل دارند. مسائل راهبردی دانشگاه کاملاً مشخص و معین است؛ توصیه من بر این است که نظر شورای دانشگاه، که عصاره‌ای از کل دانشگاه است، در تمام زمینه‌ها مورد توجه قرار گیرد. من پیشرفت و ارتقای یک دانشگاه و کلاً در حوزه آموزش عالی و علم و فناوری را به مانند بالارفتن از کوه می‌دانم، که هم زمانبر است و هم مشکل و طاقت‌فرسا. و ممکن است با کوچک‌ترین اشتباهی دچار سقوط شود ولی لذت رسیدن به قله، همه خستگی‌ها را از بدن خارج می‌کند. باید همیشه این نکته را مدنظر داشته باشیم که با تلاش و کوشش اقبال مختلف دانشگاه به این جایگاه رسیده‌ایم. تلاش کنیم در جهت رشد و بالندگی هرچه بیشتر دانشگاه گام برداریم و لازمه آن همکاری گسترده همه اساتید، دانشجویان و کارکنان در کمک به مدیریت دانشگاه است.

حد امکان فراهم کنیم. نکته دیگری که دانشگاه از چندین سال پیش تا به امروز با آن روبه‌رو بوده است، به‌طور کلی مشکلات اقتصادی آموزش عالی و بحث بودجه دانشگاه است. یکی از نکاتی که دانشگاه از آن رنج می‌برد، کیفیت آزمایشگاه‌های دانشگاه و تجهیزات آزمایشگاهی ماست که اقداماتی برای آن صورت گرفت. با کمک دکتر صالحی در جلسه‌ای که جایزه مصطفی اهدا می‌شد و رئیس بانک توسعه اسلامی هم حضور داشت، درخواست یک وام صد میلیون دلاری برای خرید تجهیزات دادیم که قرار بود در سال گذشته قسط اول این وام به دانشگاه داده شود. البته به دلیل مشکلات مالی و بدهی به بانک توسعه اسلامی این اتفاق نیفتاد و نتوانستیم این وام را بگیریم، که امیدواریم این وام به زودی گرفته شود و تجهیزات آزمایشگاهی دانشگاه ارتقا یابند. مسئله دیگر، وضعیت معیشتی اعضای هیئت علمی جوان دانشگاه است که تمهیداتی برای احداث یک استادسرا اندیشیده‌ایم که امیدوارم ساخت آن هرچه زودتر آغاز شود.

دانشگاه تا چه اندازه موفق به حفظ و ارتقای ارتباط خود با صنعت بوده است؟

برنامه راهبردی دانشگاه که به تصویب شورای دانشگاه و هیئت امنا رسیده است، دارای شش تم اصلی است که عبارتند از: «سرمادی در آموزش و پرورش نیروی انسانی»، «سرمادی در علم و فناوری»، «سرمادی در اثربخشی اجتماعی» و «ارتقای جایگاه بین‌المللی»، «ایجاد یک زیست‌بوم اخلاق محور و خردگرا و آزاداندیش» و همچنین «خودتکایی نسبی مالی». برای اجرای برنامه راهبردی، تحقق اهداف کلان دانشگاه و بهبود زیرساخت‌های مدیریتی و نظام‌های حکمرانی در دانشگاه، مرکز برنامه‌ریزی راهبردی را ایجاد کردیم. در راستای برنامه راهبردی و در حوزه ارتباط با صنعت ما یک گسترش کم‌نظیری در دانشگاه داشتیم که از آن‌ها می‌توان به ایجاد و بهره‌وری از مجتمع خدمات فناوری که باعث بالارفتن حجم قراردادهای ارتباط با صنعت دانشگاه شد، اشاره کرد. به‌طوری که حجم قراردادهای در سال ۹۹ نسبت به سال ۹۸ دو برابر شده بود که در تاریخ دانشگاه بی‌سابقه بوده است. در یکی از نشریات دانشگاه به اشتباه گفته شده

برای دیدن مصاحبه، روی عکس کلیک کنید.



میراث فتوحی

گزارشی از فعالیت‌های عمرانی دانشگاه در دوران ریاست دکتر فتوحی



زهره موسوی

۹۸ مکانیک



سردر آجری شریف

در پاییز و زمستان سال ۱۳۹۳ یک شرکت مهندسی مشاور پذیرفته شد تا مسابقه طراحی سردر دانشگاه را برگزار کند. در این مسابقه، هشت معمار برجسته شرکت کردند که به آن‌ها توصیه شده بود تا امید به آینده و کرامت انسانی را در طراحی‌هایشان لحاظ کنند و اینکه مشخص باشد که این اثر در قرن بیست و یکم و در ایران ساخته شده است. پس از ارسال آثار، در خرداد ۹۴ هیئت داوری تشکیل شد و دو اثر مشترکاً اول شدند. در نهایت، طرح ارائه شده «مهندس شهاب‌الدین ارفعی» با نظر هیئت ریسه دانشگاه انتخاب شد. قرار بود که سردر جدید در مهرماه ۹۴ افتتاح شود؛ اما این اتفاق با حدود دو سال تأخیر یعنی در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۹۶ رخ داد! جالب است بدانید که این سردر دارای ۳۰ متر طول، ۱۲ متر ارتفاع و ۱۰ متر عرض است. بد نیست سردر قبلی را هم ببینید. (البته اگر بتوان اسمش را سردر گذاشت!)



حدود یک سال و نه ماه است که خیلی‌هایمان شریف را ندیده‌ایم یا اگر دیده‌ایم، آنطور که باید و شاید، ندیده‌ایم. اما در این دوران، هر چند وقت یک بار خبر ساخت‌وسازها و افتتاح‌های زیادی را خوانده‌ایم. به این بهانه و البته به بهانه تغییر رییس دانشگاه، تصمیم گرفتیم که گزارشی از مهم‌ترین پروژه‌های عمرانی‌ای که در دوره ریاست دکتر فتوحی - یعنی از ۱۶ شهریور ۱۳۹۳ تا ۲۶ مهر ۱۴۰۰ - به سرانجام رسیده‌اند، ارائه دهیم.

ناهار (ماره)		غذای روز (عاری)	
۸۲۰۰	چوب‌کباب بابرنگ	۳۸۰۰	کشتک بادجان
۸۷۰۰	چوب‌کباب لوسیه	۵۵۰۰	ماکارونی
		۷۱۰۰	قیمه سبزی
		۷۴۰۰	قیمه بادجان
۷۰۰۰	عین پلو گوشت	۷۱۰۰	قورمه سبزی
۷۰۰۰	لوبیا پلو	۷۱۰۰	خوراک کوبیده
۷۷۰۰	توت‌چین	۷۱۰۰	خوراک چوب
۷۷۰۰	چوب‌چینی	۸۱۰۰	برشک پلو مرغ
۷۷۰۰	خوراک مرغ		

شریف پلاس، اولین فودکورت دانشگاهی

اگر ورودی ۹۹ و ۱۴۰۰ نباشید، حتماً چندین بار گذرتان به شریف پلاس افتاده است؛ در روزهایی که غذای سلف باب میلان نبود یا روزهایی که یادتان می‌رفت غذا رزرو کنید، برای گرم کردن غذایتان یا به هر دلیل دیگر! اگر ورودی ۹۹ یا ۱۴۰۰ هستید و در مورد شریف پلاس چیزی نمی‌دانید، باید بگویم که شریف پلاس یک فودکورت دانشگاهی، واقع در نزدیکی ساختمان ابن‌سینا است که البته از ابتدای شیوع کرونا بسته شده است. آن زمان که فعال بود، چهار غرفه در آن موجود بودند؛ غذاهای ایرانی شامل انواع کباب و خورش، غذاهای فرنگی شامل انواع پیتزا و ساندویچ، سالادبار شامل انواع پاستا و لازانیا و سالادهای ایرانی و فرنگی و کافه شامل نوشیدنی‌های سرد و گرم و انواع آبمیوه و بستنی و ... اگر هم ورودی ۹۶ یا قبل از آن باشید، احتمالاً افتتاح شریف پلاس را به خاطر دارید. شریف پلاس در تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۹۶ به‌طور آزمایشی شروع به کار کرد و اول آذر همان سال رسماً افتتاح شد. تصویری که در بالا می‌بینید، اولین منوی غذاهای ایرانی شریف پلاس است.

قرارداد ساخت دانشکدهٔ جدیدمان در سال ۸۸ منعقد شده است. درحالیکه حتی خوش‌بین‌ترین افراد هم فکر نمی‌کردند که در دوران دانشجویی‌شان این دانشکده را ببینند، فرایند ساخت آن از کرونا مدد گرفت و بالاخره تمام شد! مراسم افتتاح آن نیز در ۱۴ مهرماه ۹۹ برگزار شد و استادان و کارکنان به‌تدریج به دانشکدهٔ جدید منتقل شدند. زیربنای این دانشکده ۱۵۰۰۰ مترمربع است و در زمینی به مساحت ۴۵۰۰ مترمربع ساخته شده است. دانشکدهٔ جدیدمان یک ساختمان هشت‌طبقه است (یک طبقه منفی، همکف و شش طبقه دیگر بالای آن) و دارای ۹ کلاس درس، ۳۵ آزمایشگاه، ۱۰ کارگاه، ۶۵ دفتر کار، ۳ اتاق کنفرانس و یک سالن، ۲۰ اتاق اداری و ۳ دستگاه آسانسور است.



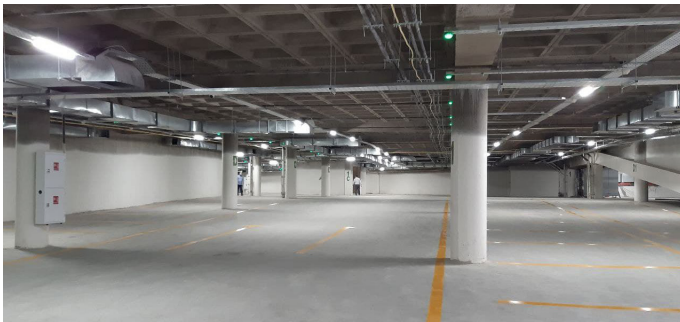
ساختمان جدید آموزش، جایگزین ابن‌سینا؟

ساختمان جدید آموزش همزمان با دانشکدهٔ جدید مکانیک افتتاح شد؛ یعنی ۱۴ مهرماه ۹۹. زیربنای آن، ۱۰۲۰۰ متر مربع است. این ساختمان دارای ۴۱ کلاس درس، ۳۵ اتاق اداری، استودیوی آموزش الکترونیک، معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی، ۳ اتاق کنفرانس و یک سالن و ۵ دستگاه آسانسور است که ان‌شاءالله دانشجویان هم اجازهٔ استفاده از آن‌ها را دارند! تفاوت ساختمان جدید آموزش با ساختمان ابن‌سینا این است که این ساختمان علاوه بر برگزاری کلاس، مدیریت آموزشی دانشگاه و همه ادارات زیرمجموعهٔ آن را نیز در خود جای داده است. گفته شده که با افتتاح این ساختمان، ساختمان ابن‌سینا می‌تواند مقاوم‌سازی شود و به ساختمان کمکی تبدیل شود.



پارکینگ طبقاتی شریف

پارکینگ طبقاتی دانشگاه در تاریخ سوم مهرماه ۱۴۰۰ یعنی همین امسال افتتاح شد. قرار داد این پارکینگ در سال ۱۳۹۰ بین دانشگاه و شهرداری منطقه ۲ منعقد شده است؛ اما ساخت آن به‌طور جدی از اردیبهشت ۱۳۹۹ شروع شد. این پارکینگ، پنج طبقه است و ظرفیت پارک ۱۰۰۰ خودرو را دارد.



ساختمان شهید ستاری یا دانشکدهٔ هوافضا؟

ساختمان شهید ستاری هنوز افتتاح نشده، اما ساخت آن تقریباً تکمیل شده است. زیربنای این ساختمان حدود ۲۰۰۰۰ مترمربع است و ده طبقه دارد (دو طبقه منفی و هشت طبقه در بالای آن). سه طبقهٔ اول متعلق به دانشکدهٔ هوافضاست و بقیهٔ طبقه‌ها به ستاد معاونت پژوهشی دانشگاه و مراکز نوآوری اختصاص یافته‌اند. استادان و کارکنان دانشکدهٔ هوافضا نیز در حال انتقال به این ساختمان هستند.



آن دور نزدیک

حکایت کاسه‌های صبر لبریز شده



علی انصاری

۹۸ مکانیک



با هیجان و شادی وصف‌نشدنی ترم یک را آغاز کردیم و پستی و بلندی‌هایش را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشتیم. خاطره ساختیم، خوب و بد. لذت‌بخش و دردآور. با وجود انواع اتفاقات عجیب و غریب و تجربه‌های جدید، حس می‌کردم می‌دانم که به کجا می‌روم، برای چه می‌روم و چگونه باید بروم.

ویروس در میانمان شایع شد و ما راهی خانه کرد. فکر می‌کردیم که برمی‌گردیم. «کرونا را شکست می‌دهیم». پس تحمل کردیم. به هر سازی که زدند رقصیدیم؛ تمرین، کوییز، پروژه و امتحان تحویل دادیم، یکی پس از دیگری. عرصه را تنگ و شرایط را سخت‌تر کردند. گفتند به سود خودتان است و حق شما را می‌خواهیم از متقلبان بگیریم. و چه دردی داشت این «حق گرفتن».

حالا نزدیک دو سال گذشته است. همچنان امید دارم که برمی‌گردیم و خاطرات از دست‌رفته را پس می‌گیریم. آن دور نزدیک! در شعرها راجع به درد هجران و بی‌ صبوری می‌خواندم و حالا تجربه‌اش کرده‌ام.

مدتی می‌شود که واکسن‌های مختلفی ساخته و وارد شده‌اند و هیزم به آتش امید می‌ریزند. سریع‌تر، سریع‌تر. خسته‌ایم. از بیگاری مجازی خسته‌ایم. از «به‌خاطر خودمان بودن» ها خسته‌ایم. از تقلب گرفتن‌ها، درخواست‌های معقول رد شده، حرص‌خوردن‌های پوچ و بیهوده، از مشکلات مالی‌ای که

برای بسیاری به‌خاطر نبود خوابگاه پیش‌آمده، از دوربودن خسته‌ایم. نزدیک دو سال به امید برگشت، به امید تجربه‌ی خاطراتی که سال‌بالی‌ها تعریف می‌کنند و به امید دوباره دانشجو بودن تحمل کرده‌ایم. شب و روز، هفته به هفته، ترم به ترم تحمل کرده‌ایم و الآن خسته‌ایم.

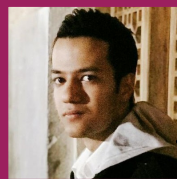
موافق بازگشایی مجدد هستیم با دلایلی به تعداد موه‌های سرم؛ اما همه آن‌ها فقط برای سال اول بعد از کرونا بودند. انجام دروس عملی در دانشگاه، آشنایی و تعامل بیشتر با اساتید و دانشجویهای باتجربه، تفریح و زندگی و تحصیل در جمع‌های دانشجویی. برای دانشگاه با تمام خوبی‌ها و بدی‌هایش دلتنگ بودم. الآن اما فقط خسته‌ام. از خیره‌شدن به لپ‌تاپ و گوشی، از گروه‌های بی‌شمار تلگرامی، از تنه‌بودن در جمع خسته‌ام.

اما مسئولین همواره دست‌دست می‌کنند، گویا سودی در این «نرفتن‌ها» می‌یابند که گاه از بیانش ایایی هم ندارند! «همه از ۱۵ آبان بروند»، «نه فقط ارشد و دکتری بروند»، «نه هر دانشگاه برای خودش تصمیم بگیرد»، «نه دانشگاه‌ها منتظر تصمیم ستاد مقابله با کرونا باشند». و می‌رسد از چپ و راست اخبار فوت افراد مدتی بعد از زدن دوز دوم، مهمانی‌ها و شمال‌رفتن‌ها و عزاداری‌ها، مراسم‌های بدون اصول بهداشتی و غیره و غیره و غیره. از شکست‌ندادن کرونا خسته‌ام. اما کاری به جز امیدوار بودن از دستمان بر نمی‌آید. تحمل می‌کنیم و امیدواریم به روزی که خبر بازگشایی نهایی برسد.



ماسک و واکسن می‌زنیم و امیدواریم به دیدن دوباره‌ی دوستانمان. در سکوت و قرنطینه می‌مانیم و امیدواریم به دوباره زنده‌بودن و زندگی کردن. همچنین امیدواریم که آن روز نرسد که بگوییم از امیدوار بودن هم خسته‌ایم.

مجازی یا حضوری؟ به چه قیمت؟



محمد بذرافشان

۹۸ مکانیک

مقایسه جامع شیوه مجازی و حضوری

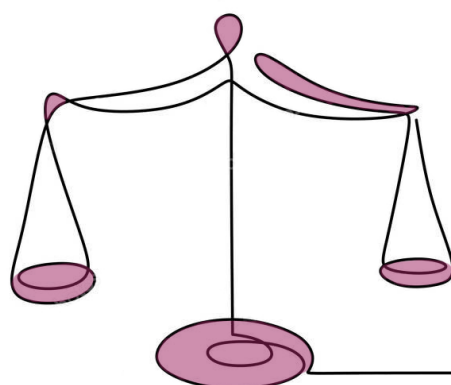
امتحانات مجازی مانند امتحانات حضوری روی دانشجویان نظارت ندارند و این امر موجب بی‌اعتمادی آن‌ها به دانشجویان شده است؛ از این رو، سؤالات به‌مراتب سخت‌تر طرح می‌شوند و زمان امتحانات نیز بسیار کم‌تر از حالت حضوری در نظر گرفته می‌شود؛ همچنین امکان بازگشت به سؤالات قبلی نیز از دانشجو سلب شده و این امر خود سبب ایجاد یک بی‌عدالتی شده است؛ به این صورت که ترتیب قرارگرفتن سؤالات برای دانشجویان تفاوت دارد و سختی و آسانی آن‌ها در ترتیب قرار گرفتن لحاظ نمی‌شود.

این موضوع، علاوه بر ایجاد فشار و استرس برای دانشجو، ممکن است او را از رسیدن به حق واقعی خود محروم کند.

در آموزش مجازی، حجم بالایی از کارها، تمرین، کویزها، امتحانات و ... بر دانشجو تحمیل می‌شود؛ برای مثال درسی که در آموزش حضوری هیچ تمرین تحویلی نداشت، ممکن است در آموزش مجازی تعداد زیادی تمرین تحویلی داشته باشد و تلاقی این تمرین با یکدیگر، یک مشغله زیاد و بعضاً غیرضروری را برای دانشجو به ارمغان می‌آورد.

در آموزش مجازی، شاهد همکاری و تقلب‌های گسترده‌ای بوده‌ایم که گاه باعث می‌شوند که میانگین یک درس به‌طور چشمگیری افزایش یابد و حق کسانی که به‌تنهایی تلاش کرده‌اند پایمال شود. به‌طور کلی نمرات دارای تورم و حباب هستند. بنابراین کسی که بخواهد جانب انصاف را رعایت کند، باید چندین برابر دیگران زحمت بکشد که خود باعث یک بی‌عدالتی فراگیر شده است.

در این دوران معلق در زمان، هرگونه ندای از سرگیری حضوری دانشگاه‌ها از سوی مراجع بالادست، ممکن است به مذاق خیلی از شماها خوش آید و با آغوشی باز پذیرای آن باشید، ره‌توشه جمع کرده و کوله‌بار خود را ببندید و در اولین فرصت، شتابان رهسپار دانشگاه شوید. یا ممکن است با آن مخالفت کنید و ساز ناسازگاری بزنید و در گوشه‌ای کنج عزلت گزینید. هرکدام دلایل خاص و منحصربه‌فرد خود را دارید و با تعصب از آن دفاع می‌کنید. حال باید به آن پرداخت که به‌راستی وزنۀ منطق



بر کدام یک از گزینه‌ها سنگینی می‌کند؟ آیا ادامه روند مجازی می‌تواند معایب و نقص‌های خود را اصلاح کند و یا تنها راه حل، روند حضوری و پیوند دانشجو با استاد در نزدیک‌ترین حالت ممکن است؟ در ابتدا به نقد و بررسی هرکدام از گزینه‌ها پرداخته و داوری و قضاوت را درباره این نوشته، به خواننده واگذار می‌کنیم.

زمان بندی راحت‌تر از موضوعات مهم دیگر برای دانشجویان است؛ برای مثال دانشجویان برای شرکت در کلاس می‌توانند تا پنج دقیقه قبل از کلاس آماده و سر کلاس حاضر شوند. دانشجویان ساکن تهران باید مسافتی را برای رسیدن به دانشگاه طی می‌کردند، اما در دوران مجازی این موضوع دیگر موجب اتلاف زمان برای آن‌ها نمی‌شود. از طرف دیگر، دانشجویان در مجموع هزینه‌های کمتری از جمله هزینه رفت‌وآمد، غذا و موارد دیگر را متحمل می‌شوند و می‌توانند برای امور دیگری صرف کنند.

از سوی دیگر، کسانی که معتقد هستند آموزش مجازی اختلال برای آن‌ها به عمل آورده، دلایل زیر را متذکر شده‌اند: در دوران حضوری، استادها یک منبع مشخص را برای طول ترم انتخاب می‌کردند که منبع اکثر سؤالات امتحانی بود، اما در آموزش مجازی به دلیل تعدد منابع، اساتید نیز ممکن است هیچ سوالی را از منابع ذکرشده طرح نکنند و این موضوع، یک فشار مضاعف برای دانشجو به همراه بیاورد. اساتید در

دوران مجازی از نقطه نظرانی دارای ویژگی‌های مثبتی است: از نظر بچه‌های خوابگاهی، در خانه امکانات و فضای بیشتر، وعده‌های تغذیه‌ای متعدد و بهتر و همچنین آزادی و اختیار عمل در انجام کارها و امور مربوط به خود وجود دارد. مورد دیگر، استفاده بهینه‌تر از کلاس‌ها و قابلیت ضبط‌شدن آن‌هاست. در این حالت، دانشجویان محدودیت زمانی و مکانی برای شرکت در کلاس‌ها ندارند و با ضبط‌شدن کلاس‌ها می‌توانند در زمان‌های دیگری آن‌ها را مشاهده کنند و بازدهی بیشتری برای آن‌ها داشته باشند؛ اما در زمان حضوری، حتماً باید در ساعت مشخص در کلاس درس شرکت می‌کردند تا مباحث آن کلاس را از دست نمی‌دادند. با این وجود، شنیدن و فراگیری درس نزد استاد در کلاس توفیق دیگری دارد.

در کل می‌توان ذکر کرد که در دوران مجازی دسترسی به محتوای آموزشی سریع‌تر و بهینه‌تر است.

نه خانی آمده، نه خانی رفته است...

بررسی زیست دانشجویی در سایه تغییر رؤسا

علی محدثزاده

۹۷ مکانیک



سنت است که با تعویض دولت، علی‌الخصوص اگر با تغییر حزب و رویکرد سیاسی نیز همراه باشد، مدیران تأثیرگذار از وزیر و معاون وزیر و ... تغییر می‌یابند. حالا چه شد که رؤسای دانشگاه‌های برتر کشور توسط دولت مشخص شد و نهادی مؤثر شناخته شدند که مدیرانش هر آینه، نیازمند تغییر، خدا می‌داند. به هر ترتیب، طی این سالیانی که گذشته است، رسم است که دولت‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها را نیز تغییر می‌دهند.

وزیر علوم دولت سیزدهم، کمی با عجله بیشتر از اسلاف خود، دست به تغییر ترکیب رؤسای دانشگاه‌ها زد و رئیس جدیدی که بتواند معرف تغییر رویکرد دولت باشد، به شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی نمود. رئیس قبلی را می‌توان در رده محافظه‌کاران تمام‌عیار طبقه‌بندی کرد؛ حامیان حفظ رویه‌ها و روش‌های موجود و مدیران پشت میز نشین کم‌پیدا و پرمشغله. و البته در ردیف کسانی که مسئولیت تصمیم را بر گرده شورایی انداخته و از روش ابوجهل^۱ در کاهش مسئولیت تصمیم‌ها استفاده می‌نمودند.

مدیر جدید اما پشت میز نشین نمی‌نماید. سابقه‌اش نمایان‌گر این است که کاری به حجم مخالفت‌ها و هیاهوی آن ندارد و کار خویش را ادامه می‌دهد و بر سر مبنای نادرست و درستش استوار است. اگر به نتیجه‌ای رسد، حتماً آن را اعمال می‌کند؛ حتی اگر تمامی اطرافیان از مخالفانش باشند.

تصورم این است که این تغییرها و تودیع و معارفه‌ها، در دو سطح از دانشجویان، دو اثر متفاوت باقی خواهد گذاشت. یک سطح، فعالان فرهنگی و دانشجویی هستند که بیشتر از باقی دانشجویان با مسئولین دانشگاه دست و پنجه نرم می‌کنند. طبعاً اینان از هر قانون آزادی‌بخش یا محدودکننده و هر تصمیم و انتصاب و ... اثر خواهند پذیرفت. فعالیت دانشجویی، حوزه‌های عمل فراوانی دارد و هویتش و مزایای آن نیز وابسته به آزادی عمل و عدم پاسخگویی نسبت به نهاد بالادستی است. آزادی عملی که از داوطلبانه‌بودن آن نیز نشأت می‌گیرد.

البته تعامل با مسئولانی که صراحت لهجه بیشتری دارند، به تجربه، می‌تواند آسان‌تر باشد. کارکردن همراه کسانی که در قول برای شما چک سفید می‌کشند و کار را به دانشجو واگذار کرده و خود را حامی فعالیت دانشجویی معرفی می‌کنند، ولی در عمل تنها فعالیت اجرایی صرف را که خود از انجام آن عاجزند، آن هم با منت به دانشجو وامی‌گذارند، می‌تواند به مراتب دشوارتر باشد.

۱ چنین نقل شده که ابوجهل برای ترور پیامبر در لیل‌المبیت، پیشنهاد داد که عاملانش از چند قبیله مختلف باشند تا کسی نتواند خون‌خواهی نماید.



یکی دیگر از موارد شایان ذکر، نبود تعامل و از بین رفتن ارتباط فیزیکی دانشجویان با یکدیگر است. در صورتی که این مورد، علاوه بر افزایش روحیه دانشجویان، بازدهی بالاتری نیز برای آنان به همراه خواهد داشت. همچنین وجود سالن‌های مطالعه و فضای اختصاصی برای درس خواندن دانشجویان در دانشگاه، خود یک مزیت بسیار مهم است. ممکن است در خانه و محل زندگی، شرایط ایده‌آل برای درس خواندن کسی فراهم نباشد که خود منجر به اختلاف طبقاتی میان دانشجویان می‌شود.

از نکات بعدی، دسترسی راحت‌تر دانشجویان ساکن تهران به دانشگاه است که هر زمان می‌توانند از دانشگاه استفاده کنند، با اساتید تعامل داشته باشند و ارتباط خود را با دیگر دانشجویان حفظ کنند. در این مورد، دانشجویان شهرستانی و یا کسانی که امکان سکونت در تهران را ندارند، بسیار متضرر می‌شوند و بسیاری از امکانات درسی، کار در آزمایشگاه‌ها و فرصت‌های شغلی موجود در کلان‌شهر را از دست می‌دهند.

همچنین بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان، با مجازی‌شدن آموزش، امکان دسترسی به وسایل ارتباط مجازی همچون تبلت یا لپ‌تاپ را ندارند و از این رو، در معرض مشکلات بسیاری قرار می‌گیرند؛ بسیاری از کارکردن در شهرهای محل تحصیل خود محروم مانده و فشار اقتصادی زیادی را متحمل شده‌اند.

در آخر، با بررسی و سنجش این نکات، می‌توان گفت با اینکه شیوه مجازی مشکلات و کمبودهایی دارد، از طرف دیگر مزایای فراوانی نیز دارد که قابل چشم‌پوشی نیستند و به هر حال از شیوه حضوری نوین‌تر است. از این رو شاید بتوان با بهبود ساختارها شرایط را برای بهترین بهره‌مندی از آموزش مجازی به ارمغان آورد.



تذکر به آنان و مطالبه اجرای همان قوانین را نیز با اکره انجام می‌دهند و آن را نوعی تابوشکنی می‌دانند! وجود نداشتن ساختاری که خوب اجرا شدنش وابسته به خوب بودن افراد نباشد، حداقل دو دلیل دارد. اولی اینکه مسئولیت‌ها به صورت دوره‌ای بین بعضی از اعضای هیئت علمی یک دانشگاه یا یک دانشکده تقسیم می‌شود. یعنی این‌طور نیست که مسئول آموزش، حقیقتاً جایگاهی بالاتر در هرم مدیریتی داشته باشد. به تعبیر دیگر، سلسله مراتبی در دانشگاه وجود ندارد. این مسئله زمانی حادث می‌شود که مسئول یک امر، از دیگر اساتید جایگاهی پایین‌تر یا سابقه‌ای کمتر داشته باشد. (مثلاً یک دانشیار به یک استاد تمام تعیین تکلیف کند).

معضل دوم نیز مسئله تعارض منافع است. اساساً نظارت هم‌صنف بر هم‌صنف، به یک شوخی شبیه‌تر است تا ساختاری نظارتی! در فضای دانشگاهی، استاد قانون‌گذار است. مجری این قانون نیز استاد است! ناظر بر اجرای درست این قانون نیز استاد است! در این شرایط و با این ساختار، انتظار نابعایی است اگر بخواهیم صدای دانشجو شنیده شود و اعتراضاتش جامه عمل بپوشند. به همین دلیل است که برای یک دانشجوی عادی، نه خانی رفته و نه خانی آمده است.

اما جدا از توصیفات فوق، سطح عام دانشجویان، نیازها، دغدغه‌ها و مشکلاتی دارند که ریشه بسیاری از این مشکلات، حاکمیت بلامنازع استاد در زمینه تدریس و مسائل مربوط به آن است. این دست مشکلات با این تودیع و معارفه‌ها حل شدنی نیستند. مسئله آن جاست که اگر بخواهیم از این ساختار موجود، که با تغییر افراد هم تغییری نمی‌کند، رهایی پیدا کنیم، باید تعارض منافع را در آن مدیریت کنیم؛ این امر زمانی تحقق می‌یابد که مدیرانی غیر از هیئت علمی دانشگاه داشته باشیم. همان‌طور که در دیگر مسائل نیز چنین پیشنهادی می‌شود. (مانند وزرات بهداشت که باید به غیر پزشکان سپرده شود).

معضلات متعددی پیش روی دانشجو برای شنیده شدن حرفش توسط استاد، وجود دارد. از تفاوت سن و دانش گرفته تا جایگاه و ... اما به نظر، یکی از مهم‌ترین چیزهایی که در فضای دانشگاهی می‌لنگد، وجود نداشتن ساختاری برای شنیده شدن سخن دانشجو است. شرایط به طوری است که اگر استادی عدالت و انصاف را در دستور کار خود قرار دهد، از خصلت‌های نیکوی فردی اوست؛ وگرنه هیچ ساختاری او را وادار به چنین اقداماتی نمی‌کند. اگرچه معدود قانون‌هایی برای جلوگیری از حکومت مطلقه اساتید وجود دارد، ولی مسئولین دانشگاه دخالت در امور اساتید و



رؤسای دانشگاه صنعتی شریف

(از بدو تاسیس در سال ۱۳۴۴)



دکتر، فرانسه دانشگاه لیل
مهندسی مکانیک

محمدعلی مجتهدی گیلانی
۱۳۴۴-۱۳۴۵



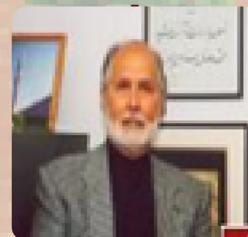
دکتر، ایالات متحده آمریکا دانشگاه کلمبیا
تئوری شبکه و اطلاعات

فضل الله رضا
۱۳۴۶-۱۳۴۷



دکتر، ایالات متحده آمریکا دانشگاه کالیفرنیا، برکلی
فیزیک

محمد رضا امین
۱۳۴۷-۱۳۵۱



دکتر، ایالات متحده آمریکا دانشگاه هاروارد
تاریخ علم

سید حسین نصر
۱۳۵۴-۱۳۵۱



دکتر، ایالات متحده آمریکا دانشگاه ایلینوی
مهندسی ساختمان

مهدی ضرغامی
۱۳۵۶-۱۳۵۴



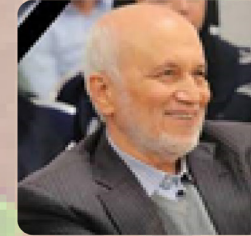
دکتر، ایالات متحده آمریکا ام آی تی
مهندسی هسته‌ای

علی اکبر صالحی
۱۳۶۳-۱۳۶۱



دکتر، سوئد دانشگاه صنعتی چالمرز
فیزیک

عباس انواری
۱۳۶۱-۱۳۵۹



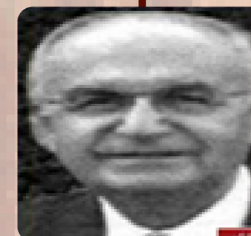
دکتر، بریتانیا امپریال کالج لندن
مهندسی برق

علی محمد رنجبر
۱۳۵۹-۱۳۵۸



دکتر، فرانسه انستیتو ملی علوم کاربردی تولوز
مهندسی برق

حسینعلی انواری
۱۳۵۸-۱۳۵۷

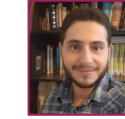


دکتر، سوئیس دانشگاه ژنو
بیوفیزیک

علیرضا مهران
۱۳۵۶-۱۳۵۷



سولماز مجدمفرد
۹۸ مکانیک



امیرمحمد صادقی چرمهینی
۹۸ مکانیک



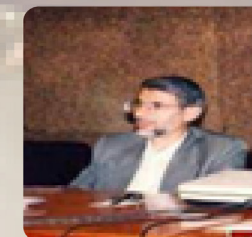
دکتر، سوئد دانشگاه صنعتی چالمرز
فیزیک

عباس انواری
۱۳۶۸-۱۳۶۳



دکتر، ایالات متحده آمریکا ام آی تی
مهندسی هسته‌ای

علی اکبر صالحی
۱۳۶۸-۱۳۷۲



دکتر، ایالات متحده آمریکا دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس
الکترونیک

محمد اعتمادی
۱۳۷۴-۱۳۷۲



دکتر، ایالات متحده آمریکا ام آی تی
مهندسی متالورژی

سید خطیب الاسلام صدرنژاد
۱۳۷۶-۱۳۷۴



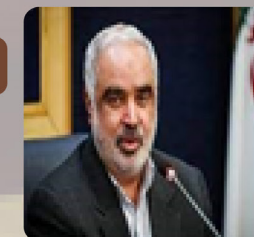
دکتر، استرالیا دانشگاه سیدنی
مهندسی کامپیوتر

رسول جلیلی
۱۴۰۰-اکنون



دکتر، کانادا دانشگاه ساسکاچوان
مهندسی برق

محمود فتوحی فیروزآباد
۱۴۰۰-۱۳۹۳



دکتر، کانادا دانشگاه واترلو
مهندسی شیمی

رضا روستاآزاد
۱۳۸۹-۱۳۹۳



دکتر، ایالات متحده آمریکا دانشگاه کالیفرنیا، برکلی
مهندسی مکانیک

سعید سهراب‌پور
۱۳۸۹-۱۳۷۶



صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشکده مهندسی مکانیک و دریا (محور)

مدیر مسئول: سیدپارسا قزوینی

سر دبیر: نیما رستگار

طراح جلد و صفحه آرا: کیمیا طاهریان

ویراستاران: محمد بذرافشان، نیما رستگار، مصطفی رسولی، امیرمحمد صادقی چرمهینی،

پویا کرباسیان، زهرا موسوی

همکاران این شماره: علی انصاری، محمد بذرافشان، علی بوالحسنی، نیما رستگار،

مصطفی رسولی، امیرمحمد صادقی چرمهینی، علیرضا فکوریان، سیدپارسا قزوینی، صالحه

کیوانلو، سولماز مجدمفرد، علی محدثزاده، زهرا موسوی، بردیا نبوی، زهرا همتیان

با تشکر ویژه از: دکتر محمود فتوحی



@mehvargroup



@khamesh_mehvar



mehvargroup



khamesh_mehvar



با ما در تماس باشید:

mehvar.mech.sharif.ir